

## بیگانه پرستی و ضعف داخلی ما

در طول دو صد سال تاریخ مدون و مکتوب این سرزمین افغانستان شاهد بیگانه پرستی و ضعف عمیق داخلی بوده است ، و این سبب شده که افغانستان بار بار تحت عناوین مختلف شاهد استعمار کهن و نوین شرق و غرب باشد و نتواند که خود کفا باشد ، دور نمی رویم اگر حکومت سیزده ساله آقای کرزی و فعالیت هشت ماهه شرکت سهامی آقای غنی و عبدالله را به بحث و بررسی بگیریم، سیزده سال تمام افغانستان شاهد حضور نظامی و ملکی بیش از چهل کشور دنیا بود و در این سیزده سال بیش از صد میلیارد دالر به این کشورسرازیر شد ، تحت عناوین مختلف ، ظاهراً به نام کمک به مردم افغانستان، در تاریخ معاصر افغانستان این قدر توجه جامعه جهانی به افغانستان نشده بود ولی نتیجه همه این تلاش ها و پول های کمک شده چی شد غیر از حاکم شدن و تقویت شدن فقر ، نا امنی ، جهالت ، بیسوادی ، جنایت ، خیانت ، فساد اخلاقی ، فساد اداری ، کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر ، آدم ربای ، سرقت ، غلامی ، ویرانی ، فحشا ، دین ستیزی ، نقض قانون ، فرهنگ معافیت و بد اخلاقی چرا؟ چون به اصطلاح رهبران ما بیگانه پرست بودند وزیر و والی ما توسط شرق و غرب تعیین می شد و بیگانه پرست بودند نه افغان پرست ، تعهد به افغانستان و افغان نداشتند و تابعیت کشور های بیرونی را داشتند یک وزیر ما از پاکستان دفاع می کرد ، دیگرش از ایران ، یک والی ما از روسیه دفاع می کرد دیگرش از امریکا اصلاً افغانستان تبدیل به میدان جنگ نیابتی منطقه ، فرا منطقه و جهان تبدیل شده است و تعدادی زیادی افغان های که در قدرت بودند بالای منافع این کشور ها لابی گری و چانه زنی می کردند در ضمن موجودیت ضعف عمیق درونی یعنی نبود حاکمیت قانون ، فرهنگ زورگویی ، جهاد فروشی ، تیکه داری مذهبی و قومی ، نبود ظرفیت های ملی ، نبود برنامه و استراتژی ملی ، نبود متخصصین واقعی ، نبود فرهنگ همدیگر پذیری ، نبود فضای کثرت گرایی ، نبود سیستم مکافات و مجازات ، نبود پرسیان و بازخواست ، نبود افرادی پاسخگو به ملت و نبود انسان های دلسوز و وطن دوست ، این حالت و روند در شرکت سهامی آقای غنی و عبدالله شدت گرفت و به اوج خود رسید . از آغاز فعالیت این شرکت سهامی دقیق هفت میزان سال 1393 خورشیدی تا حال شما خود شاهد و ناظر حالت هستید که بیگانه پرستی به اوج خودش رسیده اصلاً تعدادی کسانی که در حکومت هستند و یا هم در دولت خود را افغان نمی دانند و بالای هویت خود می شرمند و خجالت میکشند فلانی خان از خون ملت تغذیه میشود ، معاش می گیرد و صاحب ارگاه بارگاه میشود ولی دفاع از منافع پاکستان می کند ، دفاع از منافع ایران می کند ، دفاع از منافع چین و روسیه می کند که این واقعاً جای شرم است ، یک رهبر این شرکت پاکستان را دوست خود میدانند ولی رهبر دیگری این شرکت هندوستان را ، یک سهم دار این شرکت ایران را دوست خود میدانند و سهم دار دیگر امریکا را ولی افغانستان و افغان دوست و وکیل مدافع ندارد . وقتی خارجی ها را می بینیم اصلاً افغان و افغانیت فراموش ما میشود وقتی یک بیگانه را می بینیم به سه زبان برایش خوش آمدید میگویم و تا زانو سر خم می کنیم ولی افغان را وحشی و جاهل خطاب می کنیم این بیگانه پرستی نیست چیست وقتی وزیر میشویم و ادعای خدمت به افغان و افغانستان را داریم از تابعیت بیرونی خود به خون خود اصلاً نمی گذریم اما وقتی بحث پول و کرسی مطرح میشود باز افغان واقعی و وطن دوست میشویم و ادعا جهاد کردن را هم می کنیم . مشکلات و اختلافات شدید درونی بین ما بالای قدرت ، نبود پلان و استراتژی کلان ملی ، نبود روحیه ملی ، نبود فکر ملی ، نبود سیستم

مکافات و مجازات ، نبود پرسان و بازخواست ، نبود یک میکانیزم ملی برای استخدام افراد و اشخاص در پست های مختلف ، نبود پروژه های عمرانی و بازسازی ، عدم مدیریت بحران داخلی ، موجودیت بحران بی اعتباری و بی اعتمادی ، نبود یک اراده قوی سیاسی برای مبارزه با فساد اداری و اخلاقی و ده ها مشکل و چالش داخلی دیگر سبب شده که بحران فعلی تشدید یابد و وضعیت از بد بدتر شود. نیاز مبرم است که یک ملت شویم ، بیاید از این خواب غفلت بیدار شویم و مبارزه جدی و مداوم مدنی و ملی را آغاز کنیم ، از خواسته های قومی ، گروهی ، سمتی و شخصی خود بگذریم ، فکر ملی را به وجود بیاوریم، دوست و دشمن خود را بشناسیم ، بالای کشور و هویت خود افتخار کنیم و در دفاع از کشور و هویت خود باید حاضر به هر نوع قربانی باشیم و دست بکشیم از غلامی و نوکری به بیگانگان و سرمشق تمامی افکار و اعمال خود انسانیت ، عقلانیت ، اسلامیت و افغانیت را بگردانیم .

نویسنده : خوشحال آصفی